روزنامه نسیم
روزنامه صبح ایران
www.nasimnews.com
دوشنبه۱۲ مرداد ۱۴۰۵ -۱۹ صفر ۱۴۴۸ -۳ آگوست ۲۰۲۶
سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و ورزشی شماره ۷۸۰۵- سال بیست‌ونهم -تک شماره ۵۰۰۰۰تومان

عضو کمیسیون صنایع مجلس:

## شورای رقابت و سازمان حمایت در تعیین قیمت خودرو هیچ کاره شده اند

در صفحه۲

# توقف جنگ یا سناریوی فریب؛ ترامپ چه می خواهد؟

در صفحه۸

دیپلماسی در آتش جنگ؛ از مدیریت بحران تا تقویت بازدارندگی

در صفحه۸

رمزگشایی از پرونده ۲۱ میلیارد دلاری بنزین؛

## دولت برای هر لیتر سوخت چقدر یارانه پرداخت می کند؟

در صفحه۲

افت یک متری آب‌های زیرزمینی در شمال ایران؛

## زنگ خطر برای امنیت آبی مازندران

در صفحه۸

حسین راغفر مطرح کرد

## تورم ۸۸ درصدی و یک هشدار مهم؛ فشار معیشتی سنگین تر از همیشه!

## چرا دولت لایحه کنوانسیون خزر را در میانه جنگ به مجلس فرستاد؟

شعیب بهمن، کارشناس مسائل بین‌الملل، با تأکید بر اینکه لایحه کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر در برخی محورهای اساسی با مصوبه شورای عالی امنیت ملی مغایرت دارد و در شرایط فعلی تأمین‌کننده منافع ملی کشور نیست، از نمایندگان مجلس خواست تا پیش از رفع ابهامات حقوقی، فنی، امنیتی و تعیین تکلیف مسائل بنیادین، از بررسی و تصویب آن جلوگیری کنند. شعیب بهمن، کارشناس مسائل بین‌الملل، در گفت‌وگو با فارس، با اشاره به لایحه کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر، اظهار داشت: کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر در سال ۱۳۹۷ به امضای رؤسای جمهور کشورهای ساحلی رسید، اما متن آن پیش از امضا به‌صورت رسمی و شفاف منتشر نشد و همین مسئله ابهامات فراوانی را ایجاد کرد.

وی افزود: پس از انتشار متن کنوانسیون، کارشناسان حوزه‌های حقوقی، فنی، امنیتی و نظامی به سرعت متوجه اشکالات متعدد آن شدند و نسبت به پیامدهای آن برای منافع ملی ایران هشدار دادند. این کارشناس مسائل بین‌الملل با بیان اینکه مطابق روال حقوقی، کنوانسیون پس از امضای سران باید در مجالس کشورهای عضو تصویب می‌شد، گفت: به دلیل چالش‌ها و مضراتی که این سند برای ایران به همراه داشت، در سال ۱۳۹۷ از تصویب آن در مجلس شورای اسلامی جلوگیری شد.

**چرایی طرح دوباره لایحه در شرایط جنگی**

بهمن با طرح این پرسش که چرا دولت در شرایط حساس کنونی بار دیگر این موضوع را در دستور کار قرار داده است، تصریح کرد: در حالی که کشور درگیر یک جنگ بزرگ است، هیچ ضرورت و توجیه منطقی برای ارسال این لایحه به مجلس وجود ندارد.وی ادامه داد: نکته مهم‌تر اینکه دولت یکی از اساسی‌ترین موضوعات این کنوانسیون، یعنی تعیین حدود بستر و زیربستر دریای خزر را از متن لایحه کنار گذاشته و خواستار تصویب کنوانسیون بدون تعیین تکلیف این مسئله شده است.این کارشناس مسائل بین‌الملل تأکید کرد: تعیین حدود بستر و زیربستر باید پیش از تصویب کنوانسیون انجام شود، زیرا پس از تصویب، اهرم فشار حقوقی ایران برای دفاع از حقوق خود در مذاکرات آینده عملاً از بین خواهد رفت.

**کنوانسیون باید با ملاحظات حقوقی و امنیتی بررسی شود**

بهمن با اشاره به آثار احتمالی این کنوانسیون بر منافع ملی کشور اظهار داشت: با توجه به ایرادهای حقوقی، فنی، نظامی و امنیتی و همچنین تأثیر آن بر قلمرو سرزمینی، آب‌های سرزمینی و تمامیت ارضی ایران، لازم است این سند با حساسیت و دقت بیشتری بررسی شود.

وی افزود: این موضوع مستقیماً با حدود و ثغور مرزی ایران ارتباط دارد و طرح آن در شرایط فعلی نمی‌تواند تأمین‌کننده منافع ملی باشد.

**بی‌اعتبار شدن معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰؛ نخستین ایراد اساسی**

این کارشناس مسائل بین‌الملل یکی از مهم‌ترین اشکالات کنوانسیون را کنار گذاشتن معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و شوروی دانست و گفت: این معاهدات تاکنون مبنای حقوقی رژیم حقوقی دریای خزر محسوب می‌شدند، اما کنوانسیون جدید عملاً آن‌ها را بی‌اعتبار کرده است.وی خاطرنشان کرد: هیچ کشوری به سادگی اسناد حقوقی پیشین خود را که مبنای حاکمیتش هستند کنار نمی‌گذارد و این موضوع از منظر حقوق بین‌الملل یک خطای بزرگ به شمار می‌رود.

**تعیین نشدن مرزها میان ایران، آذربایجان و ترکمنستان**

بهمن ادامه داد: کنوانسیون توافقات دوجانبه و سه‌جانبه کشورهای شمالی خزر درباره تعیین حدود بستر و زیربستر را به رسمیت شناخته، اما میان ایران، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان هنوز هیچ توافق نهایی در این زمینه وجود ندارد.وی گفت: سایر کشورهای ساحلی به دلیل حل‌وفصل اختلافات خود، کنوانسیون را تصویب کرده‌اند، اما مذاکرات میان ایران، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان همچنان ادامه دارد و با توجه به منابع انرژی منطقه، مذاکرات بسیار پیچیده‌ای خواهد بود.

**سهم ۲۰ درصدی ایران زیر سؤال می‌رود**

این کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به موضع حقوقی جمهوری اسلامی ایران درباره سهم خود از دریای خزر اظهار داشت: کنوانسیون عملاً مبنای حقوقی مطالبه سهم ۲۰ درصدی ایران را تضعیف می‌کند و این مسئله با مصوبه شورای عالی امنیت ملی نیز مغایرت دارد.

**از بین رفتن مزیت‌های ژئوپلیتیکی ایران**

بهمن یکی دیگر از ایرادهای کنوانسیون را ماده ۱۴ آن دانست و گفت: این ماده به کشورهای ساحلی اجازه می‌دهد خطوط لوله انتقال انرژی را از بستر دریای خزر عبور دهند.

وی توضیح داد: در صورت اجرای این بند، کشورهای دارای منابع عظیم نفت و گاز در شرق دریای خزر، از جمله ترکمنستان و قزاقستان، می‌توانند انرژی خود را مستقیماً به غرب خزر و بازار اروپا منتقل کنند و ایران از درآمدهای ترانزیتی و مزیت ژئوپلیتیکی خود محروم خواهد شد.به گفته وی، پیش از این، اجرای چنین پروژه‌هایی مستلزم عبور از خاک ایران بود، اما کنوانسیون این محدودیت را از میان برداشته است.

## از حماقت ترامپ مقابل ایران تا حملاتی که نتیجه نداشت

نشریه تلگراف با انتشار یک مقاله به شکست آمریکا در برابر ایران و دلایل آن اشاره می کند. امبروز ایوانز ریچارد خبرنگار انگلیسی با انتشار یک مقاله در تلگراف تاکید کرد که مداخله آمریکا در منطقه نه تنها دستاورد راهبردی روشنی به همراه نداشته، بلکه موجب فرسایش توان نظامی، اقتصادی و سیاسی این کشور شده و فرصت را برای رقبای آن فراهم کرده است تا نفوذ خود را گسترش دهند. بر اساس این گزارش، سیاست دونالد ترامپ در قبال ایران نمونه‌ای تازه از آن چیزی است که باربارا تاکمن مورخ آن را مسیر حماقت نامیده است؛ یعنی زمانی که قدرت‌های بزرگ، بر اثر برآورد نادرست از پیامدها و اتکا به توهم قدرت، به تصمیم‌های نظامی و سیاسی‌ای روی می‌آورند که برخلاف منافع خودشان است.

در این مقاله به نمونه‌های تاریخی مورد نظر تاکمن از جمله اشتباهات قدرت‌های اروپایی در دوران رنسانس، تصمیم‌های انگلیس که به استقلال مستعمرات آمریکایی انجامید و تجربه آمریکا در جنگ ویتنام اشاره و تاکید شده است که وجه مشترک همه این موارد، نادیده گرفتن هشدارها، درک نکردن ماهیت دشمنان و اصرار بر گزینه‌های نظامی‌ای بوده که با تدبیر و دیپلماسی بیشتر می‌شد از آنها اجتناب کرد.جنگ با ایران باعث کاهش قابل توجه ذخایر تسلیحاتی آمریکا شده است؛ این در حالی است که پیشتر فرماندهان نظامی درباره تأثیر این مسئله بر توان واشنگتن برای مقابله با چالش‌های آینده به‌ویژه در رقابت با چین و روسیه هشدار داده بودند.

**جنگی که خروج از آن دشوار است**

آمریکا بخش بزرگی از ذخایر موشک‌های پدافند هوایی و موشک‌های دوربرد تهاجمی خود را مصرف کرده و بازسازی این زرادخانه ممکن است سال‌ها زمان ببرد. دولت ترامپ خود را درگیر جنگی کرده که خروج از آن دشوار است؛ این در حالی که ایران تلاش می‌کند از تحولات میدانی بهره‌برداری کرده و شرایط خود را تحمیل کند.

گسترش دامنه درگیری‌ها به دریای سرخ و دیگر مناطق خاورمیانه، عرضه جهانی انرژی را تهدید کرده است زیرا تأسیسات و نفتکش‌ها و کشتی‌های حامل گاز هدف حمله قرار گرفته‌اند و این موضوع بر قیمت انرژی و بازارهای مالی تأثیر گذاشته است. بحران فقط به افزایش قیمت نفت محدود نمی‌شود بلکه اختلال در عرضه و کاهش ظرفیت پالایش جهانی، هزینه سوخت را نیز افزایش داده و ممکن است موج تازه‌ای از تورم را در آمریکا ایجاد کند.

**حملاتی که بی نتیجه بود**

حملاتی که مقامات ایران را هدف قرار داد، به نتیجه مورد انتظار نرسید بلکه انسجام نظام ایران را تقویت کرد و این درگیری را به عاملی برای اتحاد بخش‌هایی از مردم ایران در برابر یک تهدید خارجی تبدیل ساخت. ایران پیش از خروج ترامپ از توافق هسته‌ای، به توافقی که در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما امضا شده بود پایبند بود. آمریکا پس از کنار گذاشتن این توافق، جایگزین روشنی ارائه نکرد و به جای دستیابی به یک راه‌حل پایدار، در پی کسب یک پیروزی کامل سیاسی بود.

این جنگ محدودیت‌های قدرت آمریکا به‌ویژه از نظر توانایی این کشور برای مدیریت همزمان چندین درگیری را آشکار کرد. همچنین روشن شد که تسلط نظامی بر ایران، با توجه به وسعت کشور، شرایط جغرافیایی و توانمندی‌های نظامی آن، مأموریتی بسیار دشوار خواهد بود و هرگونه تلاش برای تغییر نظام سیاسی ایران به منابع انسانی و نظامی عظیمی نیاز دارد که نه در دسترس است و نه از نظر سیاسی قابل پذیرش خواهد بود.

**آمریکا؛ منبع خطر به جای عامل امنیت**

این بحران به اعتبار آمریکا نزد متحدانش در خلیج فارس آسیب زده و برخی کشورهای منطقه اکنون حضور نظامی آمریکا را به جای عامل امنیت، منشأ خطر می‌دانند. این مسئله ممکن است آنها را به تقویت روابط با چین، که به شریک اقتصادی اصلی بسیاری از کشورهای تولیدکننده انرژی تبدیل شده است سوق دهد.

سیاست‌های ترامپ به تضعیف ائتلاف غرب کمک کرده و فرصت مناسبی در اختیار پکن قرار داده تا خود را به‌عنوان قدرتی باثبات‌تر و مسئولیت‌پذیرتر معرفی کند.

جنگ با ایران نمونه‌ای دیگر از تصمیم‌هایی است که قدرت‌های بزرگ تحت تأثیر اعتماد بیش از حد به قدرت نظامی خود اتخاذ می‌کنند.

## سلفی با سوگ؛ چرا بعضی ها در تشییع هنرمندان به دنبال دیده شدن هستند؟

یک جامعه‌شناس و متخصص بحران‌های هویت نسلی با اشاره به رواج سلفی گرفتن با چهره‌های شناخته‌شده در مراسم ختم و تشییع هنرمندان گفت: در جامعه‌ای که ذهنیت حسی و مادی بر آن غلبه دارد، برخی افراد حتی فضای سوگواری را نیز فرصتی برای دیده‌شدن و اثبات حضور اجتماعی خود می‌بینند؛ برای چنین فردی، حال صاحبان عزا یا قضاوت دیگران در درجه دوم اهمیت قرار دارد و اصل، نمایش این پیام است که "من هم هستم و باید دیده شوم".

به گزارش ایرنا، مراسم درگذشت و تشییع چهره‌های سرشناس، به‌ویژه هنرمندان، گاهی با رفتاری روبه‌رو می‌شود که واکنش‌های انتقادی بسیاری را در پی دارد؛ افرادی که بدون توجه به فضای سوگ و وضعیت روحی خانواده، دوستان و همکاران فرد درگذشته، تلفن همراه خود را برای گرفتن عکس و سلفی با هنرمندان حاضر در مراسم بالا می‌آورند و حتی در صورت پاسخ منفی، معترض می‌شوند. این رفتار فقط یک بی‌ملاحظگی فردی است یا می‌توان آن را نشانه‌ای از بحرانی عمیق‌تر در هویت اجتماعی، میل به خودنمایی و نیاز افراطی به دیده‌شدن دانست؟ آیا این رفتار یک اتفاق طبیعی است؟ دکتر امان‌الله قرایی‌مقدم، متخصص بحران‌های هویت نسلی، در گفت‌وگوی تفصیلی با خبرنگار ایرنا، این پدیده را با تکیه بر نظریه "ذهنیت حسی و مادی" تحلیل کرده است.

متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

**چرا برخی افراد در مراسم ختم یا تشییع هنرمندان معروف، به‌جای رعایت حال صاحبان عزا و احترام به فضای سوگ، به دنبال عکس گرفتن و سلفی با چهره‌های حاضر در مراسم هستند؟**

قرایی‌مقدم: وقتی، به تعبیر پیتریم سوروکین، ذهنیت حسی و مادی بر جامعه حاکم می‌شود، ظاهر انسان‌ها نقش بسیار مهمی در معرفی آنها پیدا می‌کند. همچنین در سخنی از رهبر انقلاب در سال ۱۳۹۷ آمده است که فناوری با خود فرهنگ می‌آورد. تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی نیز فقط ابزار نیستند، بلکه فرهنگ و نوع خاصی از رفتار را با خود وارد زندگی می‌کنند.

در چنین وضعی، مردم برای معرفی خود بیش از گذشته به ظاهر متوسل می‌شوند. بر پایه دیدگاهی که از یکی از استادان دانشگاه هاروارد نقل می‌شود، "ظاهر شما، شما را تعریف می‌کند". ما در دنیایی ناشناخته زندگی می‌کنیم؛ دنیایی که در آن دیگران ما را از روی شناسنامه، پدر و مادر، اقوام و خویشاوندانمان نمی‌شناسند. به تعبیر من، این جهان، جهان گمنامی و بی‌هویتی است.

امروز شما، من و بسیاری از افراد دیگر برای جمع بزرگی از مردم گمنام هستیم. دیگران نمی‌دانند پدر و مادر ما چه کسانی‌اند، در چه خانواده‌ای بزرگ شده‌ایم و چه پیشینه‌ای داریم. در نتیجه، فرد برای معرفی خود به ظاهر روی می‌آورد؛ با لباس، النگو، گوشواره، خودرو، نوع تلفن همراه یا عکس گرفتن با یک چهره مشهور و سلبریتی می‌خواهد خودش را نشان دهد. او با انتشار آن عکس در صفحه شخصی‌اش می‌گوید: "من هم هستم؛ من را ببینید."

بنابراین، وقتی ظاهر افراد وسیله تعریف هویت آنها می‌شود، برخی برای دیده‌شدن به هر کاری دست می‌زنند. یکی عکس می‌گیرد، دیگری النگویش را در مهمانی نشان می‌دهد، فردی با لباس و آرایش خود جلب توجه می‌کند و دیگری تلفن همراهش را به رخ می‌کشد. سلفی گرفتن در مراسم سوگ نیز یکی از نمودهای همین ذهنیت است.

**اشاره کردید که این رفتار را باید در چارچوب ذهنیت حاکم بر جامعه تحلیل کرد. منظور از ذهنیت حسی و مادی چیست؟**

قرایی‌مقدم: بر اساس این نظریه، در طول تاریخ می‌توان از سه نوع ذهنیت سخن گفت. نخست، ذهنیت عقلانی که در یونان باستان حاکم بود و تا حدود قرن پنجم ادامه داشت. پس از آن، ذهنیت شهودی، مذهبی و دینی غلبه پیدا کرد؛ دوره‌ای که در آن معنویات اهمیت اصلی را داشت و تا قرن سیزدهم یا چهاردهم ادامه یافت. اما از قرن شانزدهم به بعد، آنچه ذهن انسان‌ها را بیش از پیش تسخیر کرد، مادیات و امور حسی بود؛ یعنی چیزهایی که باید دیده شوند. فرد می‌خواهد دیگران لباس، زیورآلات، خودرو، تلفن همراه یا عکس او را ببینند. ارزش انسان نیز به‌تدریج نه بر مبنای درون و شخصیت، بلکه بر اساس آن چیزی سنجیده می‌شود که در ظاهر از او دیده می‌شود.

عکس گرفتن با یک چهره مشهور نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرد. شخص تصور می‌کند اگر دیگران تصویر او را کنار یک هنرمند، ورزشکار، مسئول یا فرد شناخته شده ببینند، جایگاه بالاتری برایش قائل می‌شوند. مسئله اصلی، خود آن عکس نیست؛ مسئله، ذهنیتی است که ارزش فرد را به نمایش ظاهری او پیوند می‌زند.

**بنابراین، هدف اصلی چنین فردی اثبات حضور و کسب توجه است؟**

قرایی‌مقدم: بله. شما به متروی بازار تهران نگاه کنید؛ ممکن است دو هزار نفر هم‌زمان از مترو پیاده شوند، اما چند نفر یکدیگر را می‌شناسند یا حتی به هم نگاه می‌کنند؟ انسان در چنین جمع بزرگی گمنام است. در این دنیای گمنامی، بعضی افراد تلاش می‌کنند با شیوه‌های مختلف خود را از دیگران متمایز کنند و دیده شوند. یکی با آرایش، دیگری با النگو و زیورآلات، فردی با شوخ‌طبعی و دیگری با عکس گرفتن و نمایش حضورش در کنار افراد مشهور این کار را انجام می‌دهد؛ چون ذهن بشر امروز بیش از گذشته حسی و مادی شده است. همان تعبیر عامیانه "تا پول داری رفیقتم" نیز بازتاب چنین شرایطی است. در این جهان، ممکن است انسانی بمیرد یا در برابر دیگران آسیب ببیند، اما افراد به‌جای کمک کردن فقط تماشا کنند یا تلفن همراهشان را بالا بگیرند. نمونه آن را در ماجراهایی مانند قتل دختری در پل مدیریت یا حادثه قتل در میدان سعادت‌آباد دیده‌ایم؛ مواردی که به‌جای مداخله و کمک، برخی تماشاگر شدند یا با تلفن همراه صحنه را ثبت کردند. اینها نشان می‌دهد که انسان‌ها دیگر مانند دوران غلبه ذهنیت معنوی به یکدیگر نگاه نمی‌کنند و ارزش انسان، بیش از پیش با ظاهر و نمایش او سنجیده می‌شود.

به همین دلیل فرد با اسب عکس می‌گیرد، کنار خودروی متعلق به شخص دیگری می‌ایستد و عکس می‌اندازد، با یک خبرنگار معروف، هنرمند یا سلبریتی تصویر می‌گیرد و آن را منتشر می‌کند. همه اینها از یک نیاز مشترک می‌آید: اینکه بگوید "من هم هستم و باید شناخته شوم".

**آیا غلبه این ذهنیت فقط در رفتارهایی مانند عکس گرفتن دیده می‌شود یا روابط انسانی را نیز تحت تأثیر قرار داده است؟**

قرایی‌مقدم: دنیای امروز، دنیای حسیات، ظواهر و مادیات است. مادیات حتی بر روابط برادری و خواهری و گاه بر رابطه پدر و مادر و فرزندان نیز اثر گذاشته است. دیگر مانند دوران ذهنیت شهودی و معنوی نیست که پیوندها بیشتر بر پایه ارزش‌های معنوی تعریف شوند.

در چنین جهانی، چون افراد با خانواده، پدر و مادر، محله، اقوام و پیشینه خود شناخته نمی‌شوند، برای ساختن تصویری از خود به نشانه‌های ظاهری پناه می‌برند. تلفن همراه و شبکه اجتماعی این امکان را نیز فراهم کرده‌اند که آن تصویر را فوراً به دیگران عرضه کنند. بنابراین، فرد نه فقط عکس می‌گیرد، بلکه آن را منتشر می‌کند تا واکنش بگیرد و دیده شود.

**شما تهران را "دنیای گمنامی و بی‌هویتی" توصیف می‌کنید. این گمنامی چه پیامدهای دیگری دارد؟**

قرایی‌مقدم: شهر تهران، به‌ویژه در بسیاری از مناطق آن، دنیای گمنامی است. مردم یکدیگر را نمی‌شناسند و نمی‌دانند فرد مقابل چه کسی است، کجا متولد شده، در کجا بزرگ شده، پدر و مادرش چه کسانی بوده‌اند و با چه کسانی نشست‌وبرخاست داشته است. به همین دلیل، در چنین فضایی امکان افزایش جرم نیز بیشتر می‌شود؛ زیرا نظارت و شناخت اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. البته محله‌های تهران با یکدیگر تفاوت دارند. برای مثال، در محله‌ای مانند خیابان ایران ممکن است خانواده‌ها و ساکنان قدیمی یکدیگر و پدر و مادر هم را بشناسند؛ در نتیجه، پیوند و نظارت اجتماعی بیشتر و میزان جرم کمتر است. اما وقتی به محدوده‌هایی مانند میدان شوش در منطقه ۱۲ می‌روید، با جمعیتی روبه‌رو می‌شوید که بخش بزرگی از افراد یکدیگر را نمی‌شناسند. بنابراین، برای تحلیل رفتار افراد باید دید چه کسانی هستند، کجا متولد شده‌اند، در چه محیطی رشد کرده‌اند، پدر و مادرشان چه کسانی بوده‌اند و با چه افرادی نشست‌وبرخاست داشته‌اند. محله و شیوه جامعه‌پذیری افراد در نوع رفتار آنها اثر دارد.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

**فراخوان مناقصه عمومی (نوبت دوم)**

توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفاً بصورت الکترونیکی(توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadIran.ir می باشد.
مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره م م/۰۵/۰۱۶۴ مربوط به احداث جاده و محل چاه شرق ۱۱۵ شمال (ب) آبتیمور (پسماند)

الف- شرح مختصر خدمات
تخریب و تهیه اجرای سرباره تسطیح عملیات خاکی اجرای شن مخلوط شن ریزی ساختمان پی دستگاه حفاری احداث فوندانسیون بتنی مخزن سوخت فنس دور گودال احداث آبرو بتنی عملیات تثبیت بستر کف دیواره گودال سوخت لوله کشی آب و گاز ساخت و نصب مهارهای لوله سوخت سپتیک کارگذاری لوله جهت غلاف لوله ۴ گاز کارگذاری لوله ۱۲ زهکش حوضچه چاه تجهیز و برچیدن کارگاه
ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار محل اجرای خدمات در ۳۰ کیلومتری اهواز و مدت انجام آن ۱۰ماه می باشد.
ج- برآورد کارفرما برآورد کارفرما جهت انجام خدمات -/۶۵۵.۶۷۵.۸۶۳.۹۷۸ ریال وتعدیل پذیر می باشد
د- شرایط مناقصه گران متقاضی - داشتن ظرفیت آزاد(تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه - مناقصه گران دارای حداقل پایه ۵ گرایش ساختمان و ابنیه و حداقل پایه ۵ گرایش راه و ترابری - در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر،الویت با شرکت های بومی استانی می باشد. توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ -/۳۲.۷۸۳.۷۹۳.۹۹ ریال که بایستی به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد :
الف: ارائه رسید وجه صادره از سوی حسابداری کارفرما مبنی بر واریز مبلغ فوق الذکربه شماره حساب IR۹۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۱۶۰۴۰۲۲۰۶۷ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شعبه مرکزی جمهوری اسلامی ایران - اهوازکد ۰ حساب - بنام شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب ب: ارائه ضمانتنامه بانکی به میزان مبلغ فوق الذکر طبق فرم نمونه که ابتدا برای مدت (۹۰روز) معتبر بوده وپس از آن نیز با اعلام کارفرما برای مدت (۹۰ روز) دیگر قابل تمدید باشد.
- ( ۵٪ مبلغ پیمان (در صورت برنده شدن ) بعنوان تضمین انجام تعهدات می باشد صورتهای مالی حسابرسی شده، می‌بایست در زمان انعقاد قرارداد در سامانه پردیس ثبت شده باشد-مناقصه گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است بصورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان طرحهای راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند. توجه: ضمانت نامه فرآیند ارجاع کار و انجام تعهدات صادره توسط بانک پاسارگاد قابل پذیرش نمی باشد .
هـ- محل و مهلت دریافت مدارک مناقصه گران از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به‌عمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانیwww.setadIran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات(ارزیابی ساده)بر روی مدارک ارسالی مناقصه گران به‌عمل آید.
مهلت اعلام آمادگی: بصورت الکترونیکی (غیر حضوری و) از ساعت۰۰: ۸تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۱ لغایت ساعت ۰۰:۱۹ تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰
محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها: متقاضیان مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۲:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۹به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۰۰: ۸ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۱ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه گران با معرفی نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است. همچنین مناقصه گران می بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۲:۳۰ روز یکشنبه مورخ۱۴۰۵/۰۶/۲۹اصل تضمین مذکور را به صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز- کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان سابق طرحهای راه و ساختمان تسلیم نمایند.
همزمان ارائه معرفی نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکتها در همه مراحل لازم و ضروری می باشد.
تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکتها، آگهی تاسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می باشد. شناسه ۲۲۳۹۵۷۸

امور حقوقی و قراردادها - شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
WWW.NISOC.IR http://iets.mporg.ir

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲

**آگهی دعوت سهامداران شرکت سیمرغ پسند گیتی سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۴۲۳ و شناسه ملی ۱۰۷۲۰۱۸۰۵۳۹ جهت تشکیل مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده.**

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی فوق العاده که در ساعت ۱۰ صبح روز جمعه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۳ در محل رشت، بلوار ۸ دی ساختمان بین الملل طبه ۵ واحد ۱۸ تشکیل می گردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی بطورفوق العاده:
۱- انتخاب مدیر تصفیه ۲- تعیین نشانی تصفیه
۳- تصمیم گیری در خصوص املاک شرکت

مدیر تصفیه شرکت سیمرغ پسند گیتی (سهامی خاص)

خبر

## افت یک متری آب‌های زیرزمینی در شمال ایران؛ زنگ خطر برای امنیت آبی مازندران

کاهش حدود یک‌متری تراز منابع آب‌های زیرزمینی مازندران در سال آبی جاری، تنها یک آمار نیست؛ بلکه هشداری جدی درباره وضعیت منابع آب این استان است. استانی که سالانه میلیاردها مترمکعب بارندگی دریافت می‌کند، امروز با افت سفره‌های زیرزمینی روبه‌روست؛ موضوعی که از ضعف در مدیریت منابع آب، برداشت بی‌رویه از آبخوان‌ها، مهار نشدن روان‌آب‌ها و تغییر الگوی اقلیمی حکایت دارد و می‌تواند کشاورزی، محیط‌زیست و اقتصاد استان را با چالش‌های جدی مواجه کند.

مازندران همواره به عنوان یکی از پرآب‌ترین استان‌های کشور شناخته شده، اما کارشناسان معتقدند بحران امروز آن بیش از آنکه ناشی از کمبود بارش باشد، نتیجه ضعف در مدیریت منابع آب است. بخش زیادی از روان‌آب‌های ناشی از بارندگی، بدون ذخیره‌سازی یا نفوذ به سفره‌های زیرزمینی، از طریق رودخانه‌ها وارد دریای خزر می‌شود و فرصت تغذیه آبخوان‌ها از دست می‌رود.برداشت بی‌رویه از چاه‌های کشاورزی، توسعه چاه‌های مجاز و غیرمجاز، تغییر کاربری اراضی، گسترش ساخت‌وساز، کاهش نفوذ آب به خاک، تخریب جنگل‌های هیرکانی و تغییر الگوی بارش از بارندگی‌های آرام به بارش‌های کوتاه‌مدت و سیل‌آسا، از مهم‌ترین عوامل افت منابع آب زیرزمینی در مازندران عنوان می‌شود.موسوی، معاون حفاظت و بهره‌برداری منابع آب شرکت آب منطقه‌ای مازندران، در گفت‌وگو با تسنیم اظهار کرد: از ابتدای سال آبی تاکنون، تراز آب‌های زیرزمینی استان حدود یک متر کاهش یافته که معادل ۱۵۱ میلیون مترمکعب است و بیشترین افت نیز در مناطق شرقی و مرکزی استان ثبت شده است.وی افزود: مجموع منابع آبی مازندران ۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون مترمکعب است که از این میزان، ۳ میلیارد مترمکعب آب‌های سطحی و حدود ۷۰۰ میلیون مترمکعب آب‌های زیرزمینی است. همچنین از مهر ۱۴۰۴ تاکنون ۴۸۴ میلی‌متر بارندگی در استان ثبت شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۲ درصد کاهش داشته است.به گفته موسوی، حجم روان‌آب‌های استان یک میلیارد و ۷۶۳ میلیون مترمکعب، ظرفیت آب‌بندان‌ها ۴۵۸ میلیون مترمکعب و میزان ذخیره فعلی آنها حدود ۲۰۰ میلیون مترمکعب است. همچنین تنها ۳۶ درصد از ظرفیت سدهای مازندران، معادل حدود ۱۶۳ میلیون مترمکعب، آبگیری شده است.کارشناسان تأکید دارند اجرای طرح‌های آبخیزداری و آبخوان‌داری، احداث سازه‌های تغذیه مصنوعی، احیای تالاب‌ها، لایروبی آب‌بندان‌ها، توسعه سامانه‌های نوین آبیاری، اصلاح الگوی کشت، کنترل برداشت از چاه‌ها و جلوگیری از تغییر کاربری اراضی، مهم‌ترین راهکارهای جلوگیری از تشدید این بحران است.آن‌ها معتقدند افت یک‌متری تراز آب‌های زیرزمینی، اگرچه امروز تنها یک شاخص آماری به نظر می‌رسد، اما در صورت تداوم می‌تواند به کاهش تولید محصولات کشاورزی، افزایش هزینه‌های اقتصادی، افت کیفیت آب شرب، آسیب به اکوسیستم‌های طبیعی و تشدید مهاجرت از مناطق روستایی منجر شود. به باور کارشناسان، بحران آب در مازندران بیش از آنکه ناشی از کمبود بارش باشد، حاصل از دست رفتن آبی است که هر سال بدون مدیریت مناسب راهی دریای خزر می‌شود؛ روندی که بدون برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در مدیریت منابع آب، آینده استان را با مخاطرات جدی‌تری روبه‌رو خواهد کرد.

# کالابرگ مرداد ۱۴۰۵؛ آب پاکی روی دست مشمولان طرح

مبلغ کالابرگ ۱۴۰۵ نسبت به ماه‌های گذشته تفاوتی ندارد و رقم واریزی برای هر کد ملی یک میلیون تومان است

افزایش مبلغ کالابرگ مرداد منتفی است.؛ معاون وزارت رفاه بعد از چهار ماه بحث و بررسی از افزایش مبلغ کالابرگ برای برخی دهک‌ها خبر داد اما سخنگوی دولت بلافاصله از نبود منابع لازم حرف زد. حرف‌های فاطمه مهاجرانی نشان می‌دهد هنوز شرایط برای افزایش اعتبار کالابرگ فراهم نشده است. کالابرگ مرداد ۱۴۰۵ طبق جدول زمانی همیشگی شارژ می‌شود و رقم واریزی تفاوتی با ماه‌های گذشته نخواهد داشت.

**خبر معاون وزارت رفاه درباره افزایش مبلغ کالابرگ**

به گزارش فرارو معاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اولین مقام رسمی بود که درباره افزایش مبلغ کالابرگ صحبت کرد. یعقوب اندایش اواخر تیر در قالب یک گفت‌وگوی تلویزیونی با شبکه خبر از تصمیم نهایی درباره افزایش مبلغ کالابرگ خبر داد.طبق این تصمیم البته فقط دهک‌های اول تا ششم از افزایش مبلغ کالابرگ بهره‌مند می‌شدند و سایر دهک‌ها یعنی دهک‌های هفتم تا دهم ارقام قبلی را دریافت می‌کردند.

حتی در اخبار غیررسمی حرف از مبلغ جدید کالابرگ به میان آمده بود. پیش‌بینی می‌شد در صورت اجرای این طرح در ماه‌های آینده مبلغ کالابرگ چیزی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد رشد کند و رقم فعلی حداقل به حدود یک میلیون و ۲۰۰ تا یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان برسد.

**روایت سخنگوی دولت درباره مبلغ کالابرگ ۱۴۰۵**

بحث افزایش مبلغ کالابرگ از ابتدای سال مطرح است اما به نظر می‌رسد مسیر اجرای آن هنوز هموار نیست. سخنگوی دولت درباره افزایش مبلغ کالابرگ صحبت‌های سازمان برنامه و بودجه را تکرار کرد و آب پاکی را روی دست کسانی ریخت که منتظر تغییر بودند.

فاطمه مهاجرانی در اولین روزهای مرداد امسال در

جمع خبرنگاران اشاره کرد برای افزایش اعتبار کالابرگ باید دنبال منابع پایدار باشیم و تا زمانی که این بودجه قطعی نشود، نمی‌توان تصمیم جدیدی گرفت. با توجه به حرف‌های سخنگوی دولت و اینکه کمتر از پنج روز تا آغاز مرحله جدید شارژ اعتبارها باقی مانده، باید انتظار داشته باشیم که مبلغ کالابرگ مرداد ۱۴۰۵ تغییری نمی‌کند و همچنان با روال گذشته به دست مردم می‌رسد.

**مبلغ و تاریخ شارژ اعتبار کالابرگ ۱۴۰۵**

مبلغ کالابرگ مرداد ۱۴۰۵ احتمالا مثل ماه‌های گذشته باید همان یک میلیون تومان به ازای هر نفر باشد. یعنی یک خانواده چهار نفره می‌تواند روی اعتبار چهار میلیون تومانی خود برای تهیه اقلام اساسی حساب باز کند.تاریخ واریز کالابرگ مرداد نیز مطابق جدول زمانی همیشگی و بر اساس رقم آخر کد ملی سرپرست خانوار انجام می‌شود. این زمان‌بندی به شکل زیر است.۱۵ ماه: سرپرست خانواری که رقم آخر کد ملی او صفر، یک و دو باشد؛ ۲۰ ماه: سرپرست خانواری که رقم آخر کد ملی او سه، چهار، پنج و شش باشد؛۲۵ ماه: سرپرست خانواری که رقم آخر کد ملی او هفت، هشت و ۹ باشد .

مردم می‌توانند برای استفاده از این اعتبار به فروشگاه‌های زنجیره‌ای و هر فروشگاهی که با طرح قرارداد داشته باشد، مراجعه کنند. این فروشگاه‌ها موظف هستند اقلام کالابرگ را به مردم ارائه دهند و نکته مهم این است که اعتبار در نظر گرفته شده با هر کارت بانکی که به اسم سرپرست خانوار باشد، قابل استفاده است و نیازی به دریافت کارت جدید یا ثبت‌نام مجدد در سامانه خاصی نیست.

## رمزگشایی از پرونده ۲۱ میلیارد دلاری بنزین؛ دولت برای هر لیتر سوخت چقدر یارانه پرداخت می‌کند؟

شکاف میان هزینه واقعی تأمین بنزین و قیمت فروش آن در جایگاه‌های سوخت، به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران تبدیل شده است. بررسی محاسبات اقتصادی حوزه انرژی نشان می‌دهد این فاصله در یک روش محاسبه، به پرداخت روزانه حدود ۷.۳ همت یارانه می‌انجامد و در برآوردی دیگر، حتی بدون احتساب ارزش اقتصادی نفت خام، دولت روزانه ۷۱۰ میلیارد تومان از منابع بودجه برای تأمین بنزین هزینه می‌کند.یارانه بنزین سال‌هاست یکی از مهم‌ترین و پرهزینه‌ترین موضوعات اقتصاد ایران به شمار می‌رود. پایین بودن قیمت فروش این فرآورده نفتی اگرچه با هدف حمایت از مصرف‌کنندگان دنبال شده، اما فاصله قابل توجهی میان هزینه واقعی تأمین بنزین و مبلغ پرداختی مردم ایجاد کرده است. این شکاف علاوه بر فشار بر منابع عمومی، یارانه انرژی را به یکی از محورهای اصلی بحث درباره بودجه، ناترازی انرژی و حفظ ثروت بین‌نسلی تبدیل کرده است.

به گزارش خبرآنلاین، بررسی‌ها نشان می‌دهد اگر هزینه واقعی تولید و توزیع بنزین مبنای محاسبه قرار گیرد، قیمت تمام‌شده هر لیتر بنزین با فرض نفت ۶۶ دلاری و نرخ تسعیر ۱۴۰ هزار تومانی، حدود ۵۸ هزار تومان برآورد می‌شود. با احتساب ۶۸۰ تومان کارمزد جایگاه‌های عرضه سوخت و ۳۲۰ تومان هزینه حمل‌ونقل، هزینه نهایی هر لیتر بنزین به حدود ۵۹ هزار تومان می‌رسد.

در مقابل، بنزین در ایران با سه نرخ ۱۵۰۰، ۳۰۰۰ و ۵۰۰۰ تومان عرضه می‌شود. بر اساس الگوی فعلی مصرف، ۴۰ درصد بنزین با نرخ ۱۵۰۰ تومان، ۲۲ درصد با نرخ ۳ هزار تومان و ۳۸ درصد با نرخ ۵ هزار تومان به فروش می‌رسد که متوسط قیمت فروش را به ۳ هزار و ۱۶۰ تومان برای هر لیتر می‌رساند.اختلاف میان قیمت تمام‌شده و قیمت فروش نشان می‌دهد به ازای هر لیتر بنزین حدود ۵۵ هزار و ۸۴۰ تومان یارانه پرداخت می‌شود. با مصرف روزانه ۱۳۰ میلیون لیتر بنزین، حجم این یارانه به حدود ۷ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان معادل ۷.۳ همت در روز می‌رسد. این روش، هزینه واقعی اقتصادی تأمین بنزین را مبنا قرار می‌دهد و از آن به

عنوان برآورد «یارانه آشکار» یاد می‌شود.

در کنار این روش، سناریوی دیگری نیز برای محاسبه بار مالی بنزین وجود دارد که بر هزینه‌های مستقیم بودجه‌ای تمرکز دارد. در این مدل، ارزش اقتصادی نفت خام در نظر گرفته نمی‌شود و تنها هزینه‌هایی که مستقیماً بر بودجه دولت تحمیل می‌شود، ملاک محاسبه قرار می‌گیرد.

بر این اساس، روزانه ۱۰ میلیون لیتر بنزین وارداتی با هزینه تمام‌شده ۱۰۰ هزار تومان برای هر لیتر تأمین می‌شود که مجموع هزینه آن به هزار میلیارد تومان در روز می‌رسد. همچنین حدود ۱۲۰ میلیارد تومان بابت حمل‌ونقل، کارمزد جایگاه‌ها و سایر هزینه‌های مرتبط پرداخت می‌شود؛ بنابراین مجموع هزینه مستقیم دولت به هزار و ۱۲۰ میلیارد تومان در روز می‌رسد.در مقابل، درآمد روزانه حاصل از فروش بنزین با نرخ‌های فعلی تنها ۴۱۰ میلیارد تومان برآورد شده است. به این ترتیب، حتی بدون احتساب ارزش اقتصادی نفت خام، دولت روزانه حدود ۷۱۰ میلیارد تومان یارانه مستقیم پرداخت می‌کند. اگر این رقم بر مصرف روزانه سرشکن شود، سهم دولت برای هر لیتر بنزین ۸ هزار و ۶۲۰ تومان خواهد بود، در حالی که متوسط دریافتی از فروش هر لیتر تنها ۳ هزار و ۱۶۰ تومان است.

برآوردها همچنین نشان می‌دهد یارانه تخصیصی به بنزین در سال ۱۴۰۳ حدود ۲۱ میلیارد دلار بوده که ۱۷ درصد کل یارانه‌های پرداختی کشور را شامل می‌شود. کارشناسان معتقدند ادامه این روند، علاوه بر افزایش نیاز به واردات بنزین در دوره‌های اوج مصرف، منابع قابل سرمایه‌گذاری در توسعه پالایشگاه‌ها، نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی و اجرای طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی را نیز محدود می‌کند.کارشناسان تأکید دارند اختلاف میان ارقام ۷.۳ همت و ۷۱۰ میلیارد تومان به معنای تناقض نیست، بلکه ناشی از دو روش متفاوت محاسبه است؛ یکی بر پایه هزینه واقعی اقتصادی و ارزش فرصت انرژی و دیگری بر اساس هزینه مستقیم بودجه‌ای دولت. با این حال، هر دو برآورد بر یک واقعیت تأکید دارند؛ اینکه شکاف میان هزینه تأمین بنزین و قیمت فروش آن، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های مالی و ساختاری اقتصاد ایران تبدیل شده و ادامه این روند، بدون اصلاح الگوی مصرف و بازنگری در شیوه تخصیص یارانه‌ها، فشار بیشتری بر بودجه و منابع انرژی کشور وارد خواهد کرد.

خبر

## «تغذیه رایگان مدارس» جایگزین برنامه «شیر مدارس» شد

مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت از تغییر نام برنامه «شیر مدارس» به «تغذیه رایگان مدارس» خبر داد و گفت: در صورت تأمین اعتبار، اولویت همچنان توزیع شیر است، اما استان‌ها می‌توانند تا سقف ۳۰ درصد از اقلام غذایی جایگزین مانند نان‌های مغذی، خرما و بیسکوئیت سبوس‌دار استفاده کنند.

دکتر احمد اسماعیل‌زاده با اشاره به اجرای ناقص طرح شیر مدارس در سال گذشته به دلیل تأخیر در تخصیص اعتبارات، اظهار کرد: این برنامه تنها حدود دو تا سه ماه اجرا شد و امکان ارزیابی دقیق آن وجود نداشت.

وی افزود: با پیگیری وزارت بهداشت، وزارت آموزش‌وپرورش و دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی، اعتبار ۱۵ هزار میلیارد تومانی (۱۵ همت) برای اجرای برنامه در سال جاری پیش‌بینی شده و در صورت تخصیص، امکان اجرای مطلوب آن فراهم خواهد شد.

اسماعیل‌زاده با بیان اینکه سازمان برنامه و بودجه نام این طرح را به «تغذیه رایگان مدارس» تغییر داده است، گفت: افزایش قیمت شیر، مشکلات تأمین و دشواری توزیع در مناطق محروم از مهم‌ترین دلایل این تغییر رویکرد بوده است.

به گفته وی، کمیته علمی وزارت بهداشت پس از بررسی ۱۲ قلم ماده غذایی، در نهایت چهار محصول بسته‌بندی‌شده شامل نان‌های مغذی، خرما، بیسکوئیت سبوس‌دار و سایر اقلام مشابه را به عنوان گزینه‌های جایگزین انتخاب کرده است. این اقلام می‌توانند بخشی از نیاز دانش‌آموزان به پروتئین، کالری و ریزمغذی‌ها را تأمین کنند.

مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت همچنین اعلام کرد وزارت آموزش‌وپرورش با همکاری سازمان غذا و دارو، تولیدکنندگان واجد شرایط را برای تأمین این اقلام معرفی خواهد کرد تا فهرست آنها در اختیار ادارات کل آموزش‌وپرورش استان‌ها قرار گیرد.

وی در پایان گفت: دستورالعمل اجرای برنامه در شرایط تعطیلی یا مجازی شدن مدارس نیز در حال تدوین است و قرار است تا آغاز سال تحصیلی جدید نهایی شود.

عضو کمیسیون صنایع مجلس:

## شورای رقابت و سازمان حمایت در تعیین قیمت خودرو هیچ کاره شده اند

عضو کمیسیون صنایع مجلس گفت شورای رقابت و سازمان حمایت عملا از فرآیند قیمت گذاری خودرو خارج شده اند.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس گفت: در عرصه خودرو شاهد این هستیم که وزارت صمت و شورای رقابت به واسطه احکام و دستورالعمل‌هایی که صادر شده از فرآیند قیمت گذاری خودرو خارج شده‌اند.

احسان قاضی زاده هاشمی افزود: شورای رقابت نمی‌تواند بر اسناد مالی شرکت‌ها اثر گذاری خاصی داشته باشد و شیوه‌های فعلی باعث کنترل قیمت نشده است.وی اضافه کرد: سازمان حمایت از مصرف کنندگان هم یک فرآیند طولانی برای تایید قیمت‌ها طی می‌کند، اما رویه‌های سازمان حمایت هم به بهانه ادامه تولید، باعث شده تا خودروساز هر قیمتی بخواهد اعمال کند.

قاضی زاده هاشمی گفت: این نهادها از فرآیند تصمیم گیری عملا خارج شده‌اند، در کمیسیون صنایع و معادن مجلس جلساتی را با مسئولین ذی ربط برگزار خواهیم کرد تا این شیوه اصلاح شود.

**موضوع : آگهی ماده ۲ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

احتراما یک فقره رای صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی اداره ثبت اسناد و املاک متعلقه جنوب اصفهان که حسب ماده ۳ قانون فوق و ماده ۱۳ ایین نامه آن صادر گردیده جهت چاپ در دو نوبت ارسال می گردد. متن آگهی مفاد رأی: برابر رای شماره ۱۰۱۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۰هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی، مالکیت آقای امیر حسین مهر علی به شناسنامه شماره ۳۵۸۷ کدملی ۱۲۹۲۷۴۵۶۷۳ صادره اصفهان فرزند علی در شدانگ یکباب مغازه مخروبه که طبق نامه شهرداری، کاربری ملک مسکونی و بهره برداری بصورت مغازه تجاری میباشد و جهت بازسازی مغازه، طبق پروانه صادره با ملک مجاور بایستی اقدام گردیدبه مساحت ۱۷/۶۸ متر مربع پلاک شماره ۳۵۷۷ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان در ازای مالکیت رسمی مشاعی اولیه مفروز ثبتی گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار تاریخ انتشار اول: ۲۸ / ۱۴۰۵/۴

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۵/۱۲
شناسه ۲۲۲۷۰۹۸
رئیس ثبت اسناد و املاک –حسین عینی
**********

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۳۴۵۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای اکبر بخشنده ابنیه به شناسنامه شماره ۵۷۹۴۵ کد ملی ۱۲۸۱۶۷۵۲۰۲ صادره فرزند رحمت الله در شدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۴۲۳ متر مربع مجزا شده از پلاک شماره ۹۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تائید انتقال عادی و مع الواسطه از طرف مصطفی نصیری زیاری که به موجب سند ۳۵۴۳۷ مورخ ۱۳۴۵/۰۵/۲۵ دفترخانه ۲۹ اصفهان به عنوان مالک رسمی قسمتی از پلاک می باشد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۲۸ / ۱۴۰۵/۴
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۵/۱۲
شناسه ۲۲۲۷۲۳۹
رئیس ثبت اسناد و املاک –حسین عینی
**********

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برای رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۶۸۰۰۳۳۶۰ هیات اول پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۹۰۶۸۰۰۱۴۷۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید حسین بابائی چگینی به شناسنامه شماره ۴۳۱۰۲۹۲۵۳۴ کدملی ۴۳۱۰۲۹۲۵۳۴ صادره از قزوین فرزند نصراله در شدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری باغ با حفظ حقوق احتمالی جرائم به مساحت ۱۰۲۶۲ مترمربع پلاک شمار ۵۱اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین خریداری از سید ابراهیم بابایی چگینی تایید و محرز گردیده است .. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.شناسه ۲۲۲۸۸۷۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۴/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۱۲
صمد قدیم آبادی – رئیس ثبت اسناد و املاک
**********

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۱۴۰۵۰۴۶۲-۱۴۰۴/۱۲/۰۱هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تالش تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای حسن حقیقی پشتیری فرزند به شماره شناسنامه ۹۶۱ صادره از صومعه سرا فرزند احمد یک قطعه زمین مجتمل بریکباب خانه به مساحت ۱۱۲۰ متر مربع پلاک فرعی ۱۷۰ از ۱۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱ واقع در قریه کردمحله بخش ۲۵ گیلان خریداری از مالک رسمی – محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
شناسه ۲۲۲۴۸۵۶
م الف۲۳۷۶ /۹۱۰
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان صومعه سرا رضا خانجانی
**********

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۱۱۰۵۷۴۴۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک صومعه سرا تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی عبدالرضا غلامی به شماره شناسنامه ۳۰۲۳ صادره از قزوین فرزند علی در شدانی یک قطعه زمین مشتمل بر مکتاب به مساحت ۴۱۹/۱۹ متر مربع پلاک فرعی ۱۴۷ از ۶۸ اصلی واقع در قریه زرگام مفروز و مجزی شده از پلاک ۲ بخش ۲۲ گیلان خریداری از نسق عزیز علی واحدی زرگامی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود. چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشد میتوانند از تاریخ اولین انتشار آگهی بمدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
شناسه ۲۲۲۴۸۵۴
م الف۲۳۷۸ /۹۱۰
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان صومعه سرا رضا خانجانی
**********

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۱۱۰۵۷۳۳۸-۱۴۰۴/۱۱/۲۶هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تالش تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای احمد مدبر نیا به شماره شناسنامه ۷۶۹۸ صادره از میانه در بروجرد فرزند حسین یک قطعه زمین باغی به مساحت ۸۵۰/۴۵ متر مربع پلاک فرعی ۳۲۱ از ۶۶ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵ واقع در قریه کوده بخش ۲۲ گیلان خریداری از مالک رسمی – محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
شناسه ۲۲۲۴۸۷۳
م الف ۹۱۰/۲۳۷۷
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان صومعه سرا رضا خانجانی
**********

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۱۱۰۶۲۰۲۲ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک صومعه سرا تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی ابو القاسم حاج نوروزی به شماره شناسنامه ۵۹۷۰ صادره از گلپایگان فرزند علی در شدانگ یک قطعه زمین مساحت ۴۰۳/۰۴ متر مربع پلاک فرعی ۱۴۸ از ۶۸ اصلی واقع در قریه زرگام مفروز و مجزی شده از پلاک ۲ بخش ۲۲ گیلان خریداری از نسق عزیز علی واحدی زرگامی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشد می توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی بمدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید. ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.

بدیهی است و رسید در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مدت مذکور طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهدشد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
شناسه ۲۲۲۴۸۸۶
م الف ۹۱۰/۲۳۷۸
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان صومعه سرا رضا خانجانی
**********

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۱۱۰۵۷۲۷۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک صومعه سرا تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی گل گز آزادی به شماره شناسنامه ۸۶۰ صادره از خلخال فرزند یزدان بخش سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه وحوطه بمساحت ۱۵۰ مترمربع پلاک فرعی ۲۷۶۰ از ۳۳ اصلی در قریه خاکیان مفروز و مجزی شده است از پلاک ۵۷ بخش ۲۲ گیلان خریداری از نسق رحیمعلی نعمتی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشد می توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی بمدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.

بدیهی است و رسید در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مدت مذکور طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
شناسه ۲۲۲۳۸۵۰
م الف ۹۱۰/۲۳۰۵
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان صومعه سرا رضا خانجانی
**********

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره 

**اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بوئین زهرا**
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
۱- برای رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۷۰۱۴۷۳۶ مورخه ۱۴۰۴/۸/۲۶
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوئین زهرا تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی حامد قراعینی به شماره شناسنامه ۹۹۷۰ فرزند بشیر در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۶۲/۶۰ متر مربع از ۵۳ اصلی واقع در بخش ۹ موجب پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۷۰۰۰۱۱۱ محرز گردیده است .
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی ان را به این اداره ثبت اسناد و املاک تحویل دهد در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سندمالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمیباشد . شناسه ۲۲۴۰۵۸۰
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۵/۲۷
موسی حسین زاده
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بوبین زهرا
*********

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
برابر آرای صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سندرسمی مستقر در واحد ثبتی الموت غربی تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان روستای ده دوشاب پلاک ۸۰-اصلی بخش ۱۷ قزوین محرز گردیده است . لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به این واحد ثبتی تحویل نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .
۱--خانم ام البنین حیدری پور فرزند فتح اله به شماره شناسنامه ۱۱۴ برای رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۱۰۰۰۰۴۳۸ مورخ ۱۴۰۵/۳/۱۳ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۰۷/۷۰ متر مربع از پلاک ۸۰-اصلی بخش ۱۷ قزوین الموت غربی روستای ده دوشاب
۲- خانم ام البنین حیدری پور فرزند فتح اله به شماره شناسنامه ۱۱۴ برای رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۱۰۰۰۰۴۳۹ مورخ ۱۴۰۵/۳/۱۳ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۵۵ متر مربع از پلاک ۸۰-اصلی بخش ۱۷ قزوین الموت غربی روستای ده دوشاب
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۵/۲۷
شناسه ۲۲۴۲۷۷۱
شریف مراقی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک الموت غربی
*********

**((آگهی فقدان سند مالکیت))**
سند مالکیت خانه وضعیت خاص طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۹ فرعی از ۹۸۷ اصلی ، مفروز و مجزا شده از فرعی از اصلی مذکور در طبقه و واقع در بخش ۳ ناحیه حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین استان قزوین به مساحت ۱۵۲/۲ مترمربع .
مالکیت مجید نوروزی فرزند قاسم شماره شناسنامه ۱۶۰۶ تاریخ تولد ۱۳۴۳/۴/۱۹ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۴۶۶۴۲۳۳۱ با جز سهم ۱ از کل سهم ۳۶ بعنوان مالک یک سهم مشاع از سی و شش سهم عرصه و اعیان متن سهم : یک ششم دانگ مشاع از سه دانگ از ششدانگ با شماره مستند مالکیت ۲۷۲۶۱ تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۲ دفتر خانه ۱۴ شهر قزوین استان قزوین ، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۰۲۱۰۶۳ سری ه سال ۹۳ با شماره دفتر الکترونیکی O۱۳۹۴۲۰۳۰۹۰۰۱۰۰۹۷۳۲ که در صفحه ۲۴ دفتر املاک جلد ۱۳۷ ذیل شماره ۵۱۱۱۶ ثبت گردیده است بازداشت دارد و رهن ندارد.
سپس عباس حسین زاده خلیلی با ارائه وکالتنامه شماره ۵۹۳۴۲ مورخ ۱۳۹۵/۵/۲۵ دفتر خانه ۴۰ قزوین بوکالت از مالک با ارائه دو برگ فرم شهادت شهود مدعی فقدان سند به علت نامعلوم مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی خود را نموده که مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت اعلام می گردد تا هر کس به نحوی از هر انحاء نسبت به ملک مذکور حقی داشت و یا معاملاتی به نفع او شده و یا مدعی وجود سند نزد خود باشد از تاریخ انتشار این آگهی تا مدت ده روز ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت و سند معامله تسلیم نماید و چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراض به این اداره نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد این آگهی در یک نوبت به شرح ذیل منتشر خواهد نرسد
تاریخ انتشار : ۱۴۰۵/۵/۱۲
شناسه ۲۲۴۲۶۹۴
شعبان عسگری
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین
**********

**آگهی فقدان سند مالکیت**
سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان بشماره پلاک ثبتی ۳۸ فرعی از ۲۳۱۱ اصلی مفروز و مجزی شده از ۶ به مساحت ۹۷/۸۰ متر مربع واقع در بخش ۱۳ استان گیلان ذیل ثبت ۱۲۷۶۷ صفحه ۵۲ دفتر ۱۳/۱۲۱ بنام خانم شهربانو غلامپور سیگاروودی بشماره پلاک ۹۳۲۰۸۱ صادر و تسلیم گردید که برابر سند رهنی شماره ۴۰۳۶ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۸ تنظیمی دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۶۶ شهر لاهیجان استان گیلان در رهن بانک مسکن شعبه مرکزی لاهیجان میباشد و ایشان با ارائه دو برگ شهادت شهود مدعی مفقودی سند مالکیت به علت جابجایی گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است. لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میگردد تا هر شخص به هر نحوی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد از تاریخ انتشار این اگهی ظرف مدت ۱۰ روز اعتراض خود را با پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره ارسال و رسید دریافت دارند در غیر این صورت طبق مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام لازم معمول خواهد داشت.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۵/۱۲
م الف: ۴۰۱
رئیس ثبت اسناد و املاک لاهیجان - شهریار سلیمی
**********

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۰۰۰۳۷۷۸ مورخ ۱۴۰۵/۳/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاچای تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای / خانم ولی اله نور اللهی فرزند علی به شماره شناسنامه ۳۹۲ صادره از هشترود به شماره ملی ۱۶۰۱۵۴۱۴۵۷ در ششدانگ یک قطعه زمین باغی - زراعی به مساحت ۱۳۱۰/۱ متر مربع (کاربری باغی ) به پلاک ۳۰۶ فرعی از ۱۶۰ اصلی واقع در قریه چماقستان بخش ۲۹ گیلان خریداری شده از مورد نسل مالک رسمی آقای علی رضا موسی زاده صیاد محله نسق زارعی شماره ۵۰۹۰۲ مورخ ۵۱/۴/۱۲ دفترخانه ۸۹ رودسر ) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند و میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۷
شماره ۱۵۷۶
شماره شناسه: ۲۲۳۵۱۴۹۱
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کلاچای - نادر عیوضی صالح
**********

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
برابر رأی شماره های ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۰۰۰۴۰۲۶ و ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۰۰۰۴۰۲۷ مورخ ۱۴۰۵/۳/۲۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاچای تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقایان علی اکبر کرم زاده قاسم آباد و محمد رضا کرم زاده فرزندان حسن شماره شناسنامه ۱۵۳۵ و ۱۷۷۵ صادره از رودسر به شماره ملی ۲۶۹۰۶۴۸۴۷۴ و ۲۶۹۰۶۵۰۹۰۸ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۴۱۱ متر مربع (آقای علی اکبر کرم زاده نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ و آقای محمد رضا کرم زاده نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ به پلاک ۱۰۵۵ فرعی از ۲۲۲ اصلی واقع در قریه قاسم آباد علیا بخش ۲۹ گیلان خریداری شده از مورد نسق مالک رسمی آقای حسن کرم زاده نسق زارعی شماره ۲۲۱۸۸ مورخ ۵۲/۶/۷ دفتر خانه ۶۶ کلاچای محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند و میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۷
م الف: ۱۶۰۳
شماره شناسه: ۲۲۳۷۴۲۸
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کلاچای - نادر عیوضی صالح
**********

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت نبشی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۰۰۰۳۷۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۳/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت فرزند ملک کلاچای تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم صادق غفاری فرزند صفت اله به شماره شناسنامه ۱۳۹ صادره ازخلخال به شماره ملی ۱۶۳۹۰۸۰۲۵۲ در ششدانگ یک قطعه زمین مشجر مشتمل برخانه به مساحت ۲۴۴ متر مربع کاربری مزروعی به پلاک ۴۲۱۵ فرعی از ۱۴۲ اصلی واقع در قریه نوده بخش ۲۹ گیلان خریداری شده از مورد نسق مالک رسمی آقای صادق عباس پور نسق زارعی شماره ۱۹۲۶۲ مورخ ۵۱/۳/۹ دفتر خانه ۶۶ کلاچای ) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند و میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۷
م الف: ۴۹۵
شماره شناسه: ۲۲۴۰۱۴۶
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک املش - احسان شعبانی
**********

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
برابر آرای صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک املش تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی خانم / آقای فاطمه شعبانی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۷۱ صادره از املش بصورت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۷۸/۴۶ متر مربع پلاک ۴۰۰ فرعی از سنگ ۱۱۳ - اصلی واقع در قریه رمشایه - سوخت کیش شهرستان املش بخش ۲۹ گیلان مالکیت رسمی محمد شعبانی محرز گردید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۷
م الف: ۴۹۴
شماره شناسه: ۲۲۴۰۱۳۷
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک املش - احسان شعبانی
**********

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۰۸۰۰۲۴۴۸ - ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودسر تصرفات مالکانه بلا معارض سیاوش رحمتی فرزند هادی بشماره شناسنامه ۲۶۵ صادره از رودسر در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احداثی مساحت ۲۰۱/۷۷ متر مربع به شماره پلاک ۷۳۲۴ فرعی مفروز از ۷۹۰ فرعی از ۸۴ اصلی واقع در قریه چافجیر بخش ۲۹ گیلان خریداری از سید علی میرنیسی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۷
م الف: ۱۶۶۰
شماره شناسه: ۲۲۳۹۶۳۱
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودسر - رمضان قربانی
**********

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۰۸۰۰۱۸۹۳ - ۱۴۰۵/۰۲/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودسر تصرفات مالکانه بلا معارض سیده زلیخا رمضانی فرزند سید علی بشماره شناسنامه ۹ صادره از املش در ششدانگ یک قطعه زمین مشجر به مساحت ۳۹ / ۴۴۵ متر مربع به شماره پلاک ۲۵۳ فرعی مفروز از پلاک ۶ فرعی از ۱۱۷ اصلی واقع در بازکل بخش ۲۹ گیلان خریداری از مالک رسمی محسن رحمتی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و اداره ثبت نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را طبق مقررات ادامه خواهد داد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
شماره شناسه: ۲۲۴۰۵۴۶
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان آبیک - علی مافی
**********

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۰۸۰۰۳۳۳۶ - ۱۴۰۵/۰۳/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودسر تصرفات مالکانه بلا معارض همایون حسن پور فرزند محمد حسن بشماره شناسنامه ۲۶۸۰۲۱۰۹۵۶ صادره از رودسر در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی مساحت ۴۲۷۲/۱۲ متر مربع به شماره پلاک ۱۱۲۶ فرعی از ۳۰ اصلی واقع در گیلاکجان بخش ۲۹ گیلان خریداری از مالک رسمی وراث یوسف شریف پور گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۷
م الف: ۱۶۴۸
شماره شناسه: ۲۲۳۸۶۸۲
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودسر - رمضان قربانی
**********

**آگهی تحدید حدود اختصاصی**
پیرو آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی منتشره به موجب ماده ۱۳ آیین نامه قانون مذکور با توجه به اینکه تحدید حدود عمومی پلاک ۵ اصلی واقع در بخش ۱۶ قزوین قریه ابراهیم آباد به عمل نیامده و با توجه به این که مالکیت قسمتی از پلاک موصوف برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۰۳۰۰۰۲۴۲ و مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۱۹ هیئت قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۱۸/۵۲ متر مربع در پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۹۰۰۳۰۰۰۶۰۸ به نام آقای سید سید مهرزاد اسدی تحت پلاک ثبتی ۱۱۳۰ فرعی از ۵ اصلی واقع در بخش ۱۶ قزوین در ششدانگ یکباب ساختمان مورد تایید قرار گرفته است. لذا باستناد ماده ۱۴ قانون ثبت اسناد و املاک تحدید حدود اختصاصی پلاک فرعی موصوف در تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ راس ساعت ۱۱ صبح در محل وقوع ملک انجام خواهد شد. لذا بدینوسیله به کلیه مالکین و مجاورین و کسانی که نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی پلاک مرقوم ادعایی داشته باشند اخطار میگردد که در روز و ساعت مقرر در محل حضور به هم رسانند و چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موعد مقرر حاضر نباشند ، مطابق ماده ۱۵ قانون مذکور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد. اعتراض کتبی مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی و نیز صاحبان املاک که در زمان تنظیم نقشه حاضر نبوده اند نیز مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت اسناد و املاک فقط تا ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود جهت ارائه به مرجع صلاحیت دار توسط اداره ثبت اسناد و املاک آبیک پذیرفته خواهد شد و برابر ماده ۸۶ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت ، معترضین میبایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد آبیک ظرف یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم را از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند. در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و اداره ثبت نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را طبق مقررات ادامه خواهد داد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
شماره شناسه: ۲۲۴۰۵۴۶
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان آبیک - علی مافی
**********

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۹۰۰۳۴۸۲ - ۱۴۰۵/۰۳/۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تالش تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای حسن پیرنژاد ناوان فرزند یونس به شماره شناسنامه ۱۹ صادره از تالش در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۳۸۵/۳۹ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۶۶۸ از ۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۸۴ واقع در قریه جماکوه بخش ۲۸ گیلان خریداری از مالک رسمی محمد پرتوی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۷
م الف: ۹۰۷/۸۴۵
شماره شناسه: ۲۲۴۱۵۰۴
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک تالش - جعفر عبادی
**********

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
برابر آرای صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک املش تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی خانم / آقای فاطمه حسین زاده فرزند غلام به شماره شناسنامه ۳۵ صادره از املش و بصورت ششدانگ یک قطعه زمین صیفی کاری به مساحت۲۵۰ متر مربع پلاک ۸۲۲۷ فرعی از سنگ ۲۵ اصلی واقع در شهرستان املش بخش ۲۹ گیلان از مالکیت رسمی لیلا صداقت املشی محرز گردید.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۷
شماره شناسه: ۲۲۴۰۸۷۲
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان - حمیدرضا خسروی
**********

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
نظر به اینکه برابر رأی شماره ۶۰۴۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۹ صادره از هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه یک اهواز تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی در قسمتی از پلاک ۱۴/۳۶۰ بخش ۴ اهواز که حکایت از احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی موضوع سهمی امین گند میکال به متقاضی علی زباری فرزند کاظم شماره شناسنامه ۲۱۶ کد ملی ۱۸۸۱۳۲۸۹۰۲ صادره از شوشتر نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۸۵/۲۰ متر مربع در قسمتی از پلاک فوق خریداری شده طبق شرح صدر آگهی و انتقال ملک از مالک رسمی بنام وی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز در روزنامه های محلی و کثیر الانتشار سراسری آگهی میگردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ضمنا صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۷
شماره شناسه: ۲۲۴۱۶۸۲
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک اهواز- بهزاد مردانی
**********

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
فاقد سند رسمی اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۰۴۰۰۷۱۴۸ مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۰۷ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی رودبار تصرفات سیامک افتخاری مفرد فرزند امیرحسین مورد تایید قرار گرفت.
- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۱۵۹/۷۰ متر مربع ، به شماره پلاک فرعی ۴۰۸ مجزی از پلاک ۱۲۲ اصلی ۶۰ واقع در گردویشه بخش ۱۷ گیلان از مالکیت شریغلی شریفی سیینی و غیره به آدرس شهرستان رودبار - گردویشه محرز گردیده است.
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۲۶
م الف: ۸۳۹
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رودبار-انوش اکبری
**********

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
فاقد سند رسمی اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۰۴۰۰۷۴۲۲ مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۱۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی رودبار تصرفات هانی محمدی دوگاهه فرزند فتحعلی مورد تایید قرار گرفت.
- ششدانگ یک قطعه زمین مشجر به مساحت ۱۳۲/۳۰

روزنامه نسیم
www.nasimnews.com
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: ابراهیم بهمنی جلالی
لیتوگرافی و چاپ شاخه سبز قم
تلفن تماس: ۳۳۸۵۵۰۰۳ – تلفکس: ۳۳۸۵۵۰۰۲
آدرس: خیابان شهدا– نبش خیابان پاستور
سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و ورزشی
دوشنبه ۱۲مرداد ۱۴۰۵ –۱۹ صفر ۱۴۴۸ –۳آگوست ۲۰۲۶ – شماره ۷۸۰۵
nasimgilan۷۶@yahoo.com

آفتابی

دوشنبه ۱۲مرداد ۱۴۰۵
اذان صبح : ۰۴:۳۱
طلوع آفتاب : ۰۵:۴۷
اذان ظهر : ۱۲:۰۷
غروب آفتاب : ۱۸:۲۸
اذان مغرب : ۱۸:۴۷
نیمه شب : ۲۳:۲۵

# دیپلماسی در آتش جنگ؛ از مدیریت بحران تا تقویت بازدارندگی

برخلاف این تصور رایج که وقوع جنگ را نشانه ناکامی دیپلماسی می‌داند، تجربه‌های تاریخی و واقعیت‌های روابط بین‌الملل نشان می‌دهد دیپلماسی در میانه بحران نه تنها تعطیل نمی‌شود، بلکه به‌عنوان یکی از ابزارهای مدیریت جنگ، جلوگیری از گسترش درگیری، افزایش هزینه‌های تجاوز و تقویت بازدارندگی، نقشی تعیین‌کننده در حراست از منافع ملی برعهده دارد. «بیهودگی دیپلماسی و ضرر مذاکره» کلیدواژه برخی متن‌ها، سخنرانی‌ها و توییت‌هایی است که در فضای سیاسی–رسانه‌ای کشور و پس از هر دوره مذاکره و جنگ منتشر می‌شود. گزاره‌هایی مبتنی بر ساده‌سازی وضعیت که احتمالا از فرط تکرار و در نگاه اول شاید درست هم به نظر می‌رسند که اگر دستگاه دیپلماسی «موفق» بود، جنگ اصلاً رخ نمی‌داد یا سخن از مذاکره در میانه جنگ، قطعا نشانه تسلیم است.

به گزارش ایرنا، این گزاره‌های پرتکرار اما در برابر شواهد تاریخی، منطق روابط بین‌الملل و الزام‌های زیست در جغرافیای منطقه، آن‌قدر که به نظر می‌رسند؛ دقیق و قابل دفاع نیستند. واقعیت آن است که ضرورت بهره‌گیری از دیپلماسی در هر شرایطی در کنار الزام آمادگی صد در صدی نظامی، بدیهی‌تر از آن است که نیاز به استدلال علمی و تاریخی داشته باشد اما در مقطعی که مرز منافع ملی و تمایلات سیاسی مبهم‌تر از همیشه تعریف شده و دستگاه دیپلماسی به واسطه عمل به وظایف خود مورد انتقادهای ناتمام قرار گرفته؛ بررسی این گزاره‌های بدیهی، ضروری به نظر می‌رسد.

### دیپلماسی در زمان جنگ؛ ابزاری برای بازدارندگی و حراست از منافع ملی

۱– اصول و نظریه‌های بسیاری در روابط بین‌الملل جنگ و مذاکره را دو پایه حراست از منافع ملی هر سرزمینی تعریف می‌کنند. دیپلماسی در میانه جنگ یا جنگ در میانه دیپلماسی تنها به این دلیل قابل درک و قبول است که در هر مقطعی، کارایی یکی بر دیگری چیره شده است. برای این روند و اصل، نمونه‌های متعددی از جنگ‌هایی وجود دارد که در میانه آن‌ها مذاکره آغاز شده و مذاکراتی که در خلال آن جنگ رخ داده است. در جنگ کره، مذاکرات پانمونجوم همزمان با عملیات نظامی جریان داشت، مذاکرات پاریس به منظور پایان دادن به جنگ ویتنام، در اوج درگیری کلید خورد.

نمونه بسیار ملموس‌تر، جنگ ایران و عراق بود که در طول آن کانال‌های دیپلماتیک بین دو کشور هرگز کاملاً قطع نشد. در طول جنگ تحمیلی، همزمان با سخت‌ترین عملیات‌ها، دستگاه دیپلماسی در سازمان ملل، شورای امنیت و دیگر نهادهای بین‌المللی فعال بودند، قطعنامه‌ها بررسی می‌شد و رایزنی با کشورهای مختلف ادامه داشت و این اقدامات و فعالیت‌ها هرگز نشانه ضعف تفسیر نشده بلکه به عنوان بخشی از مدیریت جنگ تحلیل می‌شد. روسیه و اوکراین با وجود شدت درگیری‌ها، دوره‌های مذاکراتی را تعطیل نکرده‌اند. روند جنگ‌ها و صلح‌های تاریخ حکایت از آن دارد که در هیچ جنگ مهمی، کانال دیپلماتیک به‌طور کامل بسته نشده است.

۲. نکته بدیهی دیگر که به عمد مورد غفلت عمده برخی منتقدان دستگاه دیپلماسی قرار گرفته، فرایند آغاز جنگ و عوامل موثر بر آن است، عواملی که در صدر آن محاسبات امنیتی و نظامی طرف متجاوز قرار دارد و نه عملکرد دستگاه دیپلماسی کشور مورد تجاوز. نقدی که می‌گوید «از دل مذاکرات دو جنگ بیرون آمد»، آگاهانه یا ناخواسته این اصل عقلانی را نادیده می‌گیرد اما واقعیت آن است که در فاصله منتهی به تصمیم «دونالد ترامپ» برای آغاز جنگ با ایران، شبکه‌ای از بازیگران ذینفع، از لابی اسرائیل و اپوزیسیون، تا شماری از کشورهای منطقه فعالانه در جهت متقاعدسازی رئیس‌جمهور آمریکا برای حمله عمل کردند. اصرار ترامپ برای نشان دادن قدرت خود به جهان و رقبا و دیدگاه تاریخی وی درباره ضرورت ضربه به ایران، هم از دیگر عوامل موثر در آغاز جنگ بود که اساسا ربطی به آنچه در میز مذاکره مورد گفت‌وگو قرار گرفته بود؛ نداشت.

۳. اصل بدیهی دیگر در میانه جنجال‌ها که به عمد از سوی برخی منتقدان نادیده گرفته می‌شود، ساختار چندبعدی تصمیم‌گیری در ایران است. بر مبنای این ساختار و به تاکید رهبر شهید، «سیاست خارجی در هیچ جای دنیا در وزارت خارجه تعیین نمی‌شود و مجامع بالادستی و مسئولین عالی‌رتبه‌ی کشور هستند که سیاست خارجی را [تعیین می‌کنند]؛ البتّه وزارت خارجه هم در اینها مشارکت دارد، لکن این جور نیست که تصمیم‌گیری، تابع وزارت خارجه باشد؛ نه، وزارت خارجه

مجری است».

در ایران، تصمیمات امنیت ملی از جمله آغاز مذاکره و پذیرش صلح، حاصل تعامل شورای عالی امنیت ملی، نیروهای مسلح، دولت و سایر نهادهای ذی‌ربط است نه محصول عملکرد یک وزارتخانه به‌تنهایی.

۴. از سوی دیگر نسبت دادن دلایل آغاز جنگ به یک دستگاه واحد در داخل کشور، عملا به معنای پاس دادن توپ تقصیر به زمین ایران و تبرئه طرف متجاوز است. گویا گروهی در پی هر بدعهدی ترامپ، مقصر را نه او که در درون کشور جستجو می‌کند. شماتت مذاکره‌کنندگان و طرفداران دیپلماسی به دلیل ناپایداری سیاسی و شخصیتی رئیس‌جمهور آمریکا، در شرایطی که دیپلماسی هم مانند میدان، نیازمند اتحاد در مواضع حمایتی است، به منافع ملی آسیب خواهد زد.

۵. مرور این اصول بدیهی برای گروهی که مغرضانه درپی حمله به دیپلماسی و دستگاه مسئول آن هستند، ضروری است اما در برابر این غرض‌ورزی‌ها، نگاه‌های انتقادی معقولی هم از سوی شماری از مردم مطرح می‌شود که نیازمند تامل است؛ از جمله آنکه طریقت داشتن اصل مذاکره، زمانی که فرصتی برای آماده‌سازی نظامی طرف مقابل تحلیل شود، تا چه اندازه قابل پذیرش است؟ یا برخی دیگر نیز معتقدند که تاکید بر چندبعدی‌بودن تصمیم‌گیری، گرچه غیرقابل انکار است اما می‌تواند در عمل مانع از ارزیابی دقیق پاسخگویی دستگاه دیپلماسی شود. گروهی نیز تفاوت‌های زمانی و مکانی رویدادهای تاریخی اشاره شده با شرایط امروز را مانع الگوگیری از آن دوران می‌دانند. نقدهایی که گرچه بیراه و بی‌ربط نیست اما پاسخ آن‌ها شاید در یک واقعیت غیرقابل انکار نظام بین‌الملل ریشه داشته باشد که حضور در میدان دیپلماسی با درنظر گرفتن تمام گزینه‌های امکان و یا امتناع از جنگ صورت می‌گیرد.

### کارکرد دیپلماسی در زمان جنگ و بازبینی در معیارهای موفقیت آن

بررسی کارکرد واقعی دیپلماسی در شرایط بحرانی، را باید با کنار نهادن شماری از پیش‌فرض‌های ذهنی و سیاسی آغاز کرد. پیش فرض نخست این است که دیپلماسی را تنها در پایان دادن دادن به جنگ تفسیر کرده و در صورت ناکامی در این عرصه آن را بی‌فایده و شکست خورده تصور کنیم؛ این درحالی است که دستگاه دیپلماسی در دوران بحران، وظایف مشخص و قابل‌سنجشی بر عهده دارد؛ از جمله جلوگیری از ورود بازیگران تازه به میدان، بازداشتن رقیب از شکل‌دادن ائتلاف‌های گسترده‌تر علیه کشور، محدود نگه‌داشتن جغرافیای نبرد، خنثی‌سازی تلاش طرف مقابل برای کسب مشروعیت بین‌المللی برای اقداماتش، حفظ همراهی یا دست‌کم سکوت کشورهای بی‌طرف و به‌کارگیری نهادهای بین‌المللی برای فراهم کردن زمینه یک آتش‌بس بعدی.

ارزیابی عملکرد دستگاه دیپلماسی با هریک از معیارهای بالا، تصویری شفاف‌تری از یک سال و نیم تکاپوی این نهاد در حراست از منافع ملی و دستاوردهای دو جنگ دارد. اینکه در طول جنگ‌های ۱۲ و ۴۰ روزه به رغم خواست و حتی اصرار آمریکا؛ کشورهای دیگری وارد این نزاع نشدند و واشنگتن حتی در جلب همکاری کشورهای عرب منطقه برای ورود مستقیم و سنگین به جنگ ایران ناکام ماند؛ دلایل زیادی دارد که یکی از مهمترین آن‌ها تلاش دستگاه دیپلماسی برای اعلام صریح و قاطعانه تبعات حضور در ائتلاف‌های نظامی علیه ایران و هشدارها و رایزنی‌های آشکار و پشت پرده در این زمینه است که دستکم تا امروز از گشوده شدن جبهه‌های جدید علیه ایران به رغم خواست و تمایل آمریکا جلوگیری کرده است.

در نتیجه این نوع دیپلماسی، شورای امنیت سازمان ملل مجوزی برای اقدام نظامی علیه ایران صادر نکرد، همسایگان ایران در شمال و شمال غرب به رغم تمام تلاش اسرائیل برای کشاندن پای آن‌ها به جنگ؛ وارد نزاع با ایران نشدند. این موفقیت‌ها را گرچه نمی‌توان تماما به نام دستگاه دیپلماسی ایران زد و باید پارامترهای بسیار دیگری از جمله معتبر بودن بازدارندگی نظامی کشور را هم در نظر گرفت اما قدرمسلم آن است که ناکامی آمریکا و اسرائیل در تشدید جبهه‌های جنگ علیه ایران و مشروعیت یافتن تجاوز به کشور، محصول اقدامات دستگاه دیپلماسی در دوران بحران است.

با چنین نگاهی به سیاست خارجی و رویکرد دستگاه دیپلماسی ایران می‌توان آن را به نوعی اهرم بازدارنده هم تحلیل کرد. در این چارچوب، دیپلماسی جزئی از سیستم بازدارندگی است، نه لایه‌ای جدا از آن و به همین دلیل است که «اسماعیل بقائی» سخنگوی دستگاه دیپلماسی در نشست‌های متعدد سخنگویی؛ بر این مهم تاکید دارد که اقدامات وزارت خارجه روی دیگر اقدامات نیروهای نظامی در میدان است. واقعیت حاکم بر عرف بین‌الملل این است که تماس‌ها، پیام‌ها و گفت‌وگوهای دیپلماتیک، حتی زمانی توافقی در کار نیست با دو هدف مشخص فرستاده و انجام می‌شوند؛ هزینه احتمالی یک اقدام نظامی را برای طرف مقابل بالا برند، چون هر کانال ارتباطی باز، به معنای وجود ناظرانی است که اقدام تهاجمی را زیر ذره‌بین قرار می‌دهند و احتمال سوبرداشت را هم کاهش می‌دهند.

در نبود کانال دیپلماتیک، تصمیم‌گیران هر دو طرف بر پایه حدس و گمان و اطلاعات ناقص عمل می‌کنند و همین ابهام اطلاعاتی، زمینه محاسبه اشتباه را فراهم می‌آورد. افزون بر این، مذاکره حتی در صورت شکست، می‌تواند مسیری برای خروج آبرومندانه طرف مقابل از بحران باز نگه دارد؛ گزینه‌ای که عدم وجود آن، دشمن را به سمت گزینه‌های افراطی‌تر سوق می‌دهد. به بیان دیگر، سکوت دیپلماتیک، نه نشانه قدرت، که معمولاً زمینه‌ساز افزایش خطر محاسبه غلط از سوی طرف مقابل است. در نهایت ارزیابی دقیق عملکرد دیپلماسی در زمان جنگ، به معیاری فراتر از توقف یا عدم توقف نزاع نیاز دارد.در نهایت، تجربه تاریخی و واقعیت‌های روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که دیپلماسی و قدرت نظامی نه دو مسیر متقابل بلکه دو مولفه مکمل در تامین امنیت و حراست از منافع ملی هستند. همان‌گونه که میدان بدون پشتوانه سیاسی و دیپلماتیک نمی‌تواند دستاوردهای خود را تثبیت کند، دیپلماسی نیز بدون اتکا به مولفه‌های قدرت، توان اثرگذاری لازم را نخواهد داشت. از این منظر، قضاوت درباره موفقیت یا ناکامی دستگاه دیپلماسی تنها بر اساس وقوع یا توقف جنگ، تصویری ناقص از واقعیت ارائه می‌دهد و دوگانه‌های سیاسی را هر روز عمیق‌تر کرده و منافع ملی را تهدید می‌کند.

# توقف جنگ یا سناریوی فریب؛ ترامپ چه می‌خواهد؟

پس از توقف درگیری‌ها، این پرسش همچنان مطرح است که آیا واشنگتن واقعاً به‌دنبال پایان بحران با ایران است یا دیپلماسی را بار دیگر در خدمت راهبرد فشار و تحمیل مطالبات جدید قرار داده است؟روابط تهران و واشنگتن پس از دهه‌ها تنش، تحریم، مذاکرات ناتمام و رویارویی‌های غیرمستقیم، همچنان در فضایی از بی‌اعتمادی عمیق قرار دارد. توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ برای مدتی مسیر گفت‌وگو را هموار کرد، اما خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و بازگشت سیاست فشار حداکثری، بنیان اعتماد شکننده میان دو طرف را از بین برد.در شرایط کنونی، مواضع دولت دونالد ترامپ میان اعلام آمادگی برای توافق و تهدید به حملات نظامی در نوسان است. از نگاه بسیاری از تحلیلگران، دیپلماسی در این رویکرد نه یک هدف مستقل، بلکه ابزاری در کنار فشار سیاسی و نظامی برای وادار کردن ایران به پذیرش چارچوب موردنظر واشنگتن است. ایران نیز با تأکید بر اینکه درخواست مستقیمی برای بازگشت به مذاکرات نداشته، نسبت به اعتبار تعهدات آمریکا و تکرار تجربه برجام تردید دارد.در همین حال، گسترش تنش‌ها در عراق، دریای سرخ و دیگر نقاط منطقه نشان می‌دهد اختلاف تهران و واشنگتن دیگر صرفاً یک مناقشه دوجانبه نیست و بر امنیت انرژی، اقتصاد جهانی و معادلات امنیتی منطقه تأثیر گذاشته است. افزایش هزینه‌های نظامی، فشار بر اقتصاد جهانی، نگرانی درباره بازار انرژی و رقابت‌های سیاسی داخلی آمریکا نیز تصمیم‌گیری درباره این پرونده را پیچیده‌تر کرده است.مواضع اخیر ترامپ نشان می‌دهد او مذاکره را تنها زمانی می‌پذیرد که به نتیجه‌ای سریع و منطبق با خواسته‌های آمریکا منجر شود. در کنار تأکید بر امکان توافق، تهدید به «بمباران بسیار شدید» و انتقاد از روند مذاکرات، بیانگر آن است که کاخ سفید همچنان سیاست فشار را حفظ کرده و گفت‌وگو را مکمل این راهبرد می‌داند. در این نگاه، دیپلماسی و اقدام نظامی دو ابزار مکمل هستند که بسته به شرایط برای افزایش فشار و تغییر محاسبات طرف مقابل به کار گرفته می‌شوند.در همین چارچوب، برخی تحلیلگران معتقدند پیشنهاد توافق لزوماً به معنای حل‌وفصل پایدار اختلافات نیست، بلکه می‌تواند بخشی از راهبرد بازتنظیم نظم منطقه‌ای باشد؛ راهبردی که در آن مطالبات آمریکا ممکن است از پرونده هسته‌ای فراتر رفته و موضوعاتی مانند توان دفاعی، نفوذ منطقه‌ای و سیاست خارجی ایران را نیز در بر گیرد. تجربه اجرای ناموازن برجام نیز این نگرانی را تقویت کرده که بدون دریافت تضمین‌های معتبر، هر توافق جدید با چالش‌های مشابه روبه‌رو خواهد شد.بر این اساس، هدف اصلی ترامپ را می‌توان دستیابی به توافقی سریع برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای، حفظ امنیت مسیرهای انرژی و بازگشت به مذاکرات جامع‌تر دانست؛ اما هم‌زمان واشنگتن تلاش می‌کند با حفظ تهدید نظامی، اهرم فشار خود را از دست ندهد. در این چارچوب، توقف حملات به معنای کنار گذاشتن گزینه نظامی نیست، بلکه فرصتی برای آزمودن مسیر مذاکره و افزایش قدرت چانه‌زنی آمریکا تلقی می‌شود.در مقابل، تهران با استناد به تجربه خروج آمریکا از برجام، بر ضرورت دریافت تضمین‌های قابل اجرا و راستی‌آزمایی‌پذیر تأکید دارد و معتقد است هر گفت‌وگوی تازه بدون سازوکار روشن برای اجرای تعهدات و حل اختلاف، با موانع جدی روبه‌رو خواهد بود.در مجموع، هرچند درگیری‌ها متوقف شده، اما بی‌اعتمادی تاریخی، اختلاف بر سر حدود تعهدات و پیوند خوردن دیپلماسی با فشارهای نظامی و تحولات منطقه‌ای، همچنان دستیابی به توافقی پایدار را دشوار کرده است. از نگاه کارشناسان، کاهش واقعی تنش تنها زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که گفت‌وگو بر پایه منافع متقابل، تضمین‌های عملی، سازوکارهای شفاف و فاصله گرفتن از منطق فشار شکل بگیرد؛ در غیر این صورت، توقف جنگ می‌تواند صرفاً وقفه‌ای موقت در ادامه همان تقابل گذشته باشد.

متکی:

## آمریکا با ترکیب فشار سیاسی و تحرکات نظامی به دنبال مدیریت زمان است

نماینده مردم تهران در مجلس با بیان اینکه آمریکا همزمان از ابزار مذاکره، فشار سیاسی و تحرکات نظامی استفاده می‌کند، گفت: واشنگتن به دنبال مدیریت ماه‌های پیش‌رو و پیشبرد اهداف خود از طریق این دو مسیر است.

منوچهر متکی با اشاره به رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات منطقه، اظهار کرد: در تحلیل شرایط باید به «مثلث میدان، دیپلماسی و مردم» توجه داشت و هر سه ضلع این مثلث برای نظام جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد.

وی با تأکید بر اینکه مذاکرات همواره با اذن رهبری و بر اساس اصول «عزت، حکمت و مصلحت» انجام می‌شود، افزود: آمریکا تلاش می‌کند تا ماه‌های آینده ایران را از طریق مذاکره، واسطه‌ها یا حتی اقدامات نظامی محدود درگیر نگه دارد و مذاکره را ابزاری برای پیشبرد اهداف خود می‌داند، نه پایان دادن به اختلافات.

وزیر اسبق امور خارجه با تأکید بر ضرورت هوشیاری در ماه‌های آینده گفت: باید از ورود به حاشیه‌ها پرهیز کرد. وی همچنین با اشاره به طرح موضوع جنگ زمینی از سوی آمریکا، تصریح کرد: هرگونه اقدام نظامی با واکنش قاطع نیروهای مسلح ایران مواجه خواهد شد و تصمیم‌گیری درباره پاسخ‌های عملیاتی بر عهده فرماندهان نظامی و فرمانده کل قوا است.

متکی همچنین با اشاره به مذاکرات اخیر، آن را ادامه روند گفت‌وگوهای عمان و سوئیس دانست و اظهار کرد: آمریکا در این مقطع دو سناریوی سیاسی و نظامی را به‌طور همزمان دنبال می‌کند و پیشنهادهای مطرح‌شده از سوی برخی واسطه‌ها نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

وی در بخش دیگری از سخنانش به میدان مشترک گازی ایران و قطر اشاره کرد و گفت: محدودیت‌های گذشته مانع برداشت متناسب ایران از این میدان شد، در حالی که قطر از این ظرفیت بهره بیشتری برده است. متکی در پایان با انتقاد از عملکرد برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس، تأکید کرد که معادلات منطقه تغییر کرده و این کشورها باید واقعیت‌های جدید را بپذیرند.

عراقچی:

## ایران برای پاسخ قاطع به هرگونه تعرض آمریکا آماده است

وزیر خارجه کشورمان در تماس‌های تلفنی جداگانه با فرمانده ارتش پاکستان و وزیر امور خارجه ترکیه، ضمن بررسی آخرین تحولات منطقه‌ای، درباره پیامدهای اقدامات تجاوزکارانه آمریکا در منطقه هشدار داد.

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان در تماس های تلفنی جداگانه با فیلد مارشال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان و هاکان فیدان وزیر امور خارجه ترکیه، ضمن بررسی آخرین تحولات منطقه‌ای، درباره پیامدهای اقدامات تجاوزکارانه و بی‌ثبات‌کننده ایالات متحده آمریکا و خطر تشدید تنش‌ها و ناامنی در منطقه گفت‌وگو و تبادل نظر کرد.

در این تماس ها همچنین با هشدار نسبت به هرگونه اقدام ماجراجویانه از سوی ارتش آمریکا، بر آمادگی کامل جمهوری اسلامی ایران برای صیانت از حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و امنیت کشور و پاسخ قاطع به هرگونه تعرض تأکید کرد.

## دعوتنامه شرکت در مناقصه

(نوبت دوم)

**شهرداری لنگرود در نظر دارد نسبت به اجرای زیرسازی و روکش آسفالت واقع در سطح شهر از طریق مناقصه عمومی اقدام و به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.**
**اجرای زیرسازی و روکش آسفالت معابر سطح شهر لنگرود ( اساس و آسفالت)**
**واقع در سه راه راه پشته به سمت پل پاسگاه–خیابان اصلی جاده چمخاله از میدان امام حسن مجتبی (ع) بطرف چمخاله–خیابان شهید رجایی کوچه هلال بطرف ۳۵ متری– کوچه پورقربان– انتهای کاسه گر محله به طرف پل بازارده و سایر نقاط سطح شهر**
**طبق دتایل های پیوستی با برآورد اولیه بر اساس فهرست بهای واحد راه،راه آهن و باند فرودگاه سال ۱۴۰۴ به مبلغ ۱۵۰/۸۰۵/۵۳۹/۶۱۵ ریال پرداخت بصورت اقساط و بدون پیش پرداخت و با توجه به شرایط مالی شهرداری می باشد**
**۱–مدت اجرای پروژه : ۸ ماه از تاریخ انعقاد قرارداد می باشد.**
**۲–کارفرما : شهرداری لنگرود**
**۳–ناظر : واحد عمران شهرداری لنگرود**
**۴–مبلغ سپرده شرکت در مناقصه ۷/۵۴۰/۲۷۶/ ۹۸۱ ریال می باشد که بصورت ضمانت نامه بانکی و یا واریز وجه نقد بشماره حساب ۴۹۴۸۳۰۰ نزد بانک رفاه خواهد بود که پس از بارگذاری در سامانه ستاد بصورت فیزیکی به واحد امور قراردادها و پیمان شهرداری لنگرود تحویل داده شود.**
**۵–مدت اعتبار تضمین های فوق حداقل ۳ ماهه پس از افتتاح پیشنهاد ها بوده و برای سه ماه نیز قابل تمدید می باشد.**
**۶–آخرین مهلت تسلیم پیشنهاد ها تا پایان وقت اداری روز ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ می باشد.**
**۷–پیشنهادات در روز یکشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ رأس ساعت ۱۳ بعدازظهر در محل سالن اجتماعات شهرداری با حضور نماینده سازمان بازرسی بازگشایی میشود.**
**۸–دستگاه مناقصه گزار در رد و قبول هر یک از پیشنهادها مختار است.**

**شهردار لنگرود – سیداسمعیل سادات دیلمی**

حسین راغفر مطرح کرد

# تورم ۸۸ درصدی و یک هشدار مهم؛ فشار معیشتی سنگین‌تر از همیشه!

حسین راغفر، اقتصاددان معتقد است وضعیت امروز به لحاظ فشار اقتصادی و تبعات اجتماعی ناشی از آن شاید از دی ماه ۱۴۰۴ نیز حساس تر شده باشد و علت آن نیز رها کردن اقتصاد کشور به دست مافیاها و الیگارشهاست. اگر می خواهیم از بحران ها و خطرات احتمالی پیش رو پیشگیری کنیم، باید هرچه سریعتر برنامه ریزی جدیدی برای اقتصاد کشور داشته باشیم. این یک حقیقت تلخ ولی انکار ناپذیر است که وضعیت معیشت مردم و بحران های اقتصادی با یکدیگر پیوند دارد. هر چه سیاست های اقتصادی اشتباه توسعه پیدا می کند، فساد اقتصادی نیز گسترش پیدا می کند و در سایه فساد اقتصادی مردم عادی جامعه متضرر می شوند.

اقتصاد ایران در شرایطی وارد نیمه دوم سال ۱۴۰۵ شده که تازه‌ترین داده‌های رسمی، از هم‌زمانی تورم بالا، افت قدرت خرید و تضعیف کیفیت اشتغال حکایت دارد. بر اساس آمار اعلام‌شده، تورم نقطه‌به‌نقطه تیرماه به ۸۸.۶% رسیده است؛ به این معنا که هزینه خرید مجموعه‌ای مشابه از کالاها و خدمات برای خانوارها، نسبت به تیر سال گذشته به‌طور میانگین به‌شدت افزایش یافته است.

تورم ماهانه نیز با ثبت ۹.۵ درصد همچنان در سطحی کم‌سابقه قرار دارد و تورم سالانه از مرز ۶۲% عبور کرده است؛ ارقامی که نشان می‌دهد فشار افزایش قیمت‌ها همچنان ادامه دارد. در بازار کار نیز، اگرچه نرخ رسمی بیکاری حدود ۷.۵% اعلام می‌شود، پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی، گسترش مشاغل ناپایدار و کاهش کیفیت اشتغال، تصویری پیچیده‌تر از وضعیت واقعی بازار کار ارائه می‌دهد.

به گزارش فرارو، برخی اقتصاددانان معتقدند مسئله اقتصاد ایران صرفاً افزایش قیمت‌ها نیست، بلکه چرخه‌ای از تورم، فساد، تبعیض و محدود شدن فرصت‌های اقتصادی شکل گرفته که می‌تواند پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای داشته باشد.

حسین راغفر، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا، در گفت‌وگو با فرارو با مقایسه وضعیت کنونی با اقتصاد دوران جنگ ایران و عراق، ریشه بحران‌های فعلی را نه کمبود منابع، بلکه ساختار تصمیم‌گیری اقتصادی و آنچه «اقتصاد سیاسی تورم» می‌نامد، ارزیابی می‌کند.

### تورم در مناطق محروم شدیدتر است

راغفر با اشاره به تجربه اقتصادی دوران جنگ گفت: «در دوره جنگ هشت‌ساله، با وجود همه محدودیت‌ها، تورم کالاهای اساسی تا حد زیادی کنترل شده بود. آن دوره، از نظر رویکرد

و نگرش اقتصادی با امروز تفاوت داشت. در شرایطی که تقریباً هیچ کشوری با ایران همکاری نمی‌کرد و بسیاری از قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای از صدام حمایت می‌کردند، کشور توانست با وجود محدودیت‌ها، تورم را تا اندازه قابل توجهی مهار کند.»

او درباره آمارهای جدید تورم گفت: «نکته قابل توجه این است که بسیاری از این ارقام، همه واقعیت را نشان نمی‌دهند. تورم نقطه‌به‌نقطه در سطح کشور ممکن است ۸۸% اعلام شود، اما شرایط در استان‌ها بسیار متفاوت است.

در برخی مناطق مرزی، نرخ تورم از ۱۰۰% نیز فراتر رفته و به حدود ۱۰۴% رسیده است. بسیاری از مناطق محروم کشور در وضعیت بسیار دشواری قرار دارند.»

این اقتصاددان افزود: «افزایش تورم ماهانه نسبت به ماه‌های قبل نشان می‌دهد نه‌تنها اقدام مؤثری برای بهبود شرایط انجام نشده، بلکه اوضاع روزبه‌روز پیچیده‌تر شده است.»

### اقتصاد سیاسی تورم

راغفر درباره ناکامی برنامه‌های اقتصادی گفت: «متأسفانه بسیاری از برنامه‌های اقتصادی که امروز اجرا می‌شوند، اساساً برای مردم طراحی نشده‌اند. منافع عمومی در این برنامه‌ها محور نیست و در مقابل، منافع گروه‌های خاص مورد توجه قرار می‌گیرد. همین گروه‌ها از افزایش قیمت‌ها بیشترین سود را می‌برند.»

او ادامه داد: «اقتصاد سیاسی تورم نشان می‌دهد برخی گروه‌های ذی‌نفوذ، منافع خود را از تداوم تورم تأمین می‌کنند. تا زمانی که این گروه‌ها از تورم سود می‌برند، حل مسئله تورم که یکی از حساس‌ترین مسائل کشور است، بسیار دشوار خواهد بود.»

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا با اشاره به پیامدهای اجتماعی فشار اقتصادی گفت: «وضعیت امروز، از نظر فشارهای اقتصادی و تبعات اجتماعی آن، شاید حتی از دی‌ماه ۱۴۰۴ نیز حساس‌تر شده باشد. علت این وضعیت، رها کردن اقتصاد به دست مافیاها و الیگارشی‌هاست.»

به گفته راغفر، اصلاح اقتصادی بدون مقابله با فساد ساختاری ممکن نیست: «هر اندازه سیاست‌های غلط اقتصادی گسترش پیدا کند، فساد نیز توسعه می‌یابد و در نهایت، مردم عادی هزینه آن را می‌پردازند.

کانون‌های فساد باید از سوی نظام تصمیم‌گیری از میان برداشته شوند؛ در غیر این صورت، اصلاحات اقتصادی عملاً امکان‌پذیر نخواهد بود.»